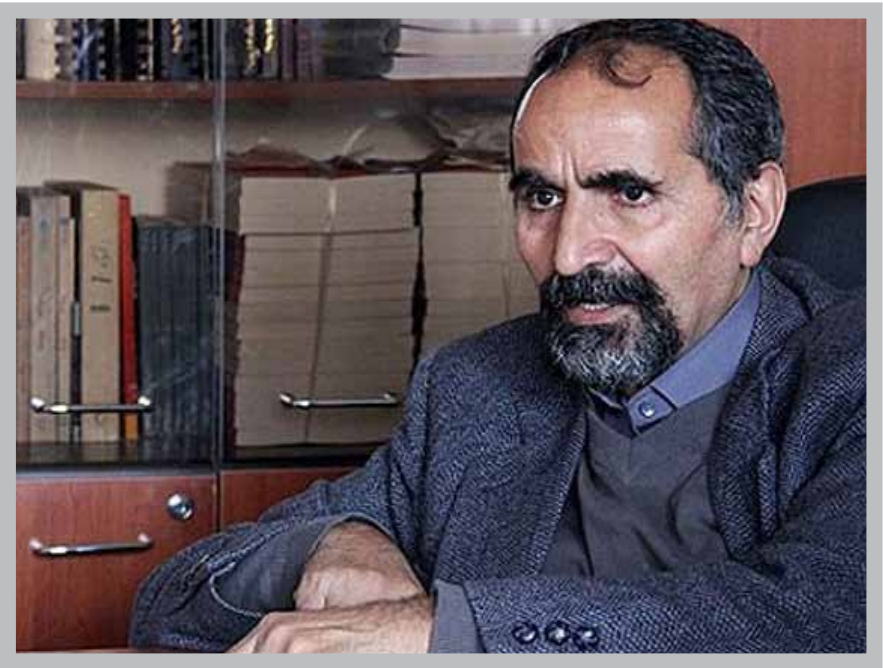


ناکید وزیر بهداشت بر "تکرار مهربانی" از سوی قوای سه‌گانه و همه قشرها

وزیر بهداشت با اشاره به درخواست بهروزان درباره افزودن دو سال مدت آموزش به سابقه خدمتی‌شان، گفت: این موضوع را به صورت مکرر از مجلس درخواست کرده‌ایم و این خانه ملت است که باید در این‌باره اقدام کند. به گزارش ایسنا، سیدحسین هاشمی در آیین کلتنگ‌زنی عملیات اجرایی بیمارستان ۲۲۰ تختخوابی خدابنده، اظهار کرد: ماه ربیع‌الاول، ماه ولادت نبی مکرم اسلام بوده، پیامبر منادی وحدت است و اگر به کلام خدا مبنی بر اَشْهَادُ عَلٰی الْکُفَّارِ رَحْمَةً یَبْنِیْهِمْ عمل کنیم، کشور گلستان می‌شود. وی با اشاره به اینکه حضرت محمد (ص)، پیامبر رحمت و مهربانی است، افزود: نباید این طور باشد که هر وقت دچار تهدیدی شدیم یا یکدیگر مهربان باشیم، بلکه قوای سه‌گانه و همه قشرها باید در همه جا مهربانی را تکرار کنند.

کاستی‌های نظام آموزش و پرورش در گفت و گو با دکتر تقی آزاد ارمکی:

تربیت در مدارس مبتنی بر «تبعیت» است نه «خلاقیت»



دانش‌آموزان مهارت‌های اجتماعی را آموزش داد.

بله، ولی بعداً در متن زندگی روزمره، فرصت کتاب خواندن وجود ندارد یا کمتر وجود دارد. من از وضع موجود دفاع نمی‌کنم. به عبارت دیگر، آنچه به عنوان دانش‌آموز تولید می‌شود، چیزی نیست که کسی انتظارش را داشته باشد. دانش‌آموزان ما متفاوت و منحصرأ می‌فرمایید؟

مهارت‌هایی باید در مدارس ما در اولویت باشد؟ مهارت "آشتی با محیط"، به دانش‌آموزان ما آموزش داده نمی‌شود که با محیط پیرامون خودشان ارتباط برقرار کنند، آن را بفهمند، در آن محیط مداخله و برایش هزینه کنند. * به نظر شما، به عنوان یک جامعه‌شناس، آموزش چه مهارت‌هایی باید در مدارس ما در اولویت باشد؟

مهارت "آشتی با محیط"، به دانش‌آموزان ما آموزش داده نمی‌شود که با محیط پیرامون خودشان ارتباط برقرار کنند، آن را بفهمند، در آن محیط مداخله و برایش هزینه کنند.

– آموزش و پرورش باید متعهد به انجام آن باشد. انسان مدرن مدنی یعنی انسان مسؤولیت‌پذیر. مسؤولیت‌پذیر در قبال آنچه که در محیط پیرامونی‌اش وجود دارد. اما از زباله، مدرسه، ترافیک، اتوبوس، پیرزن، مادرش و هر چیز دیگری. البته مهارت‌اندوزی در زمینه مسؤولیت‌پذیری هم مهم است. صرف آموزش مسؤولیت‌پذیری کافی نیست؛ چراکه این یک امر تئوریک است. باید شرایط و مهارت لازم برای مسؤولیت‌پذیری را هم فراهم کرد. مثلاً می‌گویند در فلان کشور، بچه‌ها در مدارس کلاس‌هایشان را تمیز می‌کنند. یعنی همهٔ آشغال‌ها را خودشان جمع می‌کنند. کار رفتگر مدرسه را انجام می‌دهند.

– اگر بچه‌های یک مدرسه را ببریم زباله‌های اطراف یک جنگل یا آشغال‌های یک ساحل را جمع کنند، بهتر از این است که به آنها بگوییم بنشینید آرای فلان شیمیدان را بخوانید؟

– هر دو لازم است.

– آخر محدودیت وقت هم در کار است.

– اگر با مشکل محدودیت وقت مواجه باشیم، از وقت یکی کم می‌کنیم و به وقت دیگری می‌افزاییم. یعنی کار آموزش تئوریک و آموزش مسؤولیت‌پذیری و مهارت‌های زندگی را به صورت طبیعی مدیریت می‌کنیم.

– منظورم این نیست که درس شیمی کلاً حذف شود. شیمی یک درِیای بی‌پایان است که بخشی از آن گزینش می‌شود و به کتب شیمی دبیرستان راه می‌یابد. منتقدین معتقدند همین بخش گزینش‌شده هم زیاد و حجیم است. بنابر این بهتر است حجم درس شیمی کمتر شود تا فرصت کسب مهارت‌های زندگی بیشتر شود در مدارس.

– با این موافقم. دانش‌آموز غای دست‌پخت مادرش را می‌خورد ولی اگر خودش غذا بپختن را یاد بگیرد، نگاهش به غذا و خورد و خوراک متفاوت می‌شود. مهارت‌های زندگی یعنی همین چیزها. نباید بگوییم که دخترها در خانه غذاپختن را یاد بگیرند و پسرها هم در کوچه فوتبال بازی کنند. آشپزی دختر و پسر ندارد. فوتبال بازی کردن هم.

– پس این طور که شما می‌فرمایید، پرهیز ازجنسیت‌گرایی هم باید در آموزش مهارت‌های زندگی بابد لحاظ شود.

– بله * به توجّه به حجم بالای محفوظات تئوریک در دروس مدارس ما، می‌توان گفت در آموزش و پرورش ما تعلیم بر تربیت غلبه دارد؟

– تربیت هم داریم ولی یکسویه و مبتنی بر "تبعیت" است نه "خلاقیت". ما بچه‌ها را در صف نگه می‌داریم، به آنها اخلاقیات یاد می‌دهیم و تنبیهشان می‌کنیم. این‌ها هم نوعی تربیت است ولی تربیت توأم با مسؤولیت و مشارکت نیست. تربیت ما عمیقاً آمیخته با تبعیت است.

– در واقع رویکرد تنبیهی به تربیت داریم.

– دقیقاً ما باید سامان تربیتی‌مان را مورد بازبینی قرار دهیم که از دروشتن نه انسان خودخواه بلکه انسان مشارکت‌طلب و مشارکت‌پذیردیرد.

– ماروین زونیس در کتاب "فرهنگ سیاسی نخبگان ایران"، که برآمده از گفت‌وگوهایی بود که با اذن محمدرضا شاه با نخبگان حاکم در ایران دهه ۱۳۴۰ انجام داده بود، این نکته را مطرح می‌کند که کودک ایرانی "بدبینی به جامعه" را در خانواده کسب می‌کند؛ بر خلاف کودک غربی که نسبت به جامعه خوش‌بین یار می‌آید.

– به نظر تان سیستم آموزش و پرورش ما در دوران پس از انقلاب، در زدودن این بدبینی نسبت به جامعه، موفق بوده یا ناموفق؟

– در آموزش و پرورش ما تصویری از جامعه وجود ندارد. عواملی که جامعه را می‌سازند، در نظام آموزشی ما مفقودند. آموزش مهارت‌های اجتماعی، مبتنی بر این است که ما ابتدا جامعه و مشکلات آن را بپذیریم، بعد بکوشیم با آموزش مهارت‌های لازمه در نسل بعدی، مشکلات جامعه را کاهش و سطح و کیفیت آن را ارتقا دهیم.

– در نظام آموزشی ما، یک تعریف ایده‌آل و تصویری اخلاقی از

جامعه را داریم؟

– نه؛ چون جای دیگری جز مدرسه وجود ندارد که بچه را به آنجا بفرستیم. مگر اینکه بچه را بسپरیم دست یک سری آدم منفعت‌طلب در یک کارگاه خصوصی؛ آدم‌هایی که معلوم نیست چقدر صلاحیت تدریس و تعلیم دارند. دانش‌آموز در مدرسه مدنی‌شدن را هم می‌آموزد.

– وقتی شما این قدر از وضع موجود آموزش و پرورش انتقاد می‌کنید و مدرسه را جایی نمی‌دانید که در آن جا مهارت‌های زندگی را به دانش‌آموزان یاد بدهند، بهتر نیست قید همین مدارس را هم بزینیم و به همان کارگاه‌های خصوصی اکتفا کنیم؟

– نه، حرف من این است که مدارس را باید بهبود بخشید نه اینکه بچه‌ها را از مدارس بیرون بکشیم.

– ولی ظاهراً کسی وضع مدارس را بهبود نمی‌بخشد. خودتان هم گفتید که مدارس به حال خودشان رها شده‌اند. – ما انتقاد می‌کنیم که متولیان امر بایبند مدارس را سامان بدهند نه اینکه مدارس را تعطیل کنیم و بچه‌ها را بفرستیم جایی که شبیه یک حزب است.

– نوبرت الباس در نقد جوامع جهان سوم از مفهوم "سطح تمدنی" استفاده می‌کند و مثلاً پایین بودن سطح تمدنی را عامل تصادفات رانندگی بالا در این کشورها می‌داند؛ چرا که وقتی سطح تمدنی پایین است، قدرت به تاخیر انداختن میل هم پایین خواهد بود و همین موجب می‌شود مثلاً سبقت غیرمجاز بگیریم یا با سرعت بالاتر از حد مجاز رانندگی کنیم. از حیث کنترل بر خود و از تقای

سطح تمدنی، وضعیت سیستم آموزش و پرورش ما چطور است؟

– مشکل این سیستم این است که "دیگری" در آن اهمیت ندارد. ما معیار کنترل "خود" نداریم. آنچه معیار کنش ماست، فقط امیال و آرزوهای خودماست نه امیال و آرزوهای جمعی. وقتی "دیگری" مهم می‌شود، کنترل بر "خود" هم مهم می‌شود. ولی ما فقط "خود"ی تولید می‌کنیم که ضد "دیگری" است. این وضع در مدارس ما بیشتر از جاهای دیگر است.

– مشکل این سیستم این است که "دیگری" در آن اهمیت ندارد. ما معیار کنترل "خود" نداریم. آنچه معیار کنش ماست، فقط امیال و آرزوهای خودماست نه امیال و آرزوهای جمعی. وقتی "دیگری" مهم می‌شود، کنترل بر "خود" هم مهم می‌شود. ولی ما فقط "خود"ی تولید می‌کنیم که ضد "دیگری" است. این وضع در مدارس ما بیشتر از جاهای دیگر است.

– مشکل این سیستم این است که "دیگری" در آن اهمیت ندارد. ما معیار کنترل "خود" نداریم. آنچه معیار کنش ماست، فقط امیال و آرزوهای خودماست نه امیال و آرزوهای جمعی. وقتی "دیگری" مهم می‌شود، کنترل بر "خود" هم مهم می‌شود. ولی ما فقط "خود"ی تولید می‌کنیم که ضد "دیگری" است. این وضع در مدارس ما بیشتر از جاهای دیگر است.

– مشکل این سیستم این است که "دیگری" در آن اهمیت ندارد. ما معیار کنترل "خود" نداریم. آنچه معیار کنش ماست، فقط امیال و آرزوهای خودماست نه امیال و آرزوهای جمعی. وقتی "دیگری" مهم می‌شود، کنترل بر "خود" هم مهم می‌شود. ولی ما فقط "خود"ی تولید می‌کنیم که ضد "دیگری" است. این وضع در مدارس ما بیشتر از جاهای دیگر است.

– مشکل این سیستم این است که "دیگری" در آن اهمیت ندارد. ما معیار کنترل "خود" نداریم. آنچه معیار کنش ماست، فقط امیال و آرزوهای خودماست نه امیال و آرزوهای جمعی. وقتی "دیگری" مهم می‌شود، کنترل بر "خود" هم مهم می‌شود. ولی ما فقط "خود"ی تولید می‌کنیم که ضد "دیگری" است. این وضع در مدارس ما بیشتر از جاهای دیگر است.

– مشکل این سیستم این است که "دیگری" در آن اهمیت ندارد. ما معیار کنترل "خود" نداریم. آنچه معیار کنش ماست، فقط امیال و آرزوهای خودماست نه امیال و آرزوهای جمعی. وقتی "دیگری" مهم می‌شود، کنترل بر "خود" هم مهم می‌شود. ولی ما فقط "خود"ی تولید می‌کنیم که ضد "دیگری" است. این وضع در مدارس ما بیشتر از جاهای دیگر است.

– مشکل این سیستم این است که "دیگری" در آن اهمیت ندارد. ما معیار کنترل "خود" نداریم. آنچه معیار کنش ماست، فقط امیال و آرزوهای خودماست نه امیال و آرزوهای جمعی. وقتی "دیگری" مهم می‌شود، کنترل بر "خود" هم مهم می‌شود. ولی ما فقط "خود"ی تولید می‌کنیم که ضد "دیگری" است. این وضع در مدارس ما بیشتر از جاهای دیگر است.

– مشکل این سیستم این است که "دیگری" در آن اهمیت ندارد. ما معیار کنترل "خود" نداریم. آنچه معیار کنش ماست، فقط امیال و آرزوهای خودماست نه امیال و آرزوهای جمعی. وقتی "دیگری" مهم می‌شود، کنترل بر "خود" هم مهم می‌شود. ولی ما فقط "خود"ی تولید می‌کنیم که ضد "دیگری" است. این وضع در مدارس ما بیشتر از جاهای دیگر است.

– مشکل این سیستم این است که "دیگری" در آن اهمیت ندارد. ما معیار کنترل "خود" نداریم. آنچه معیار کنش ماست، فقط امیال و آرزوهای خودماست نه امیال و آرزوهای جمعی. وقتی "دیگری" مهم می‌شود، کنترل بر "خود" هم مهم می‌شود. ولی ما فقط "خود"ی تولید می‌کنیم که ضد "دیگری" است. این وضع در مدارس ما بیشتر از جاهای دیگر است.

– مشکل این سیستم این است که "دیگری" در آن اهمیت ندارد. ما معیار کنترل "خود" نداریم. آنچه معیار کنش ماست، فقط امیال و آرزوهای خودماست نه امیال و آرزوهای جمعی. وقتی "دیگری" مهم می‌شود، کنترل بر "خود" هم مهم می‌شود. ولی ما فقط "خود"ی تولید می‌کنیم که ضد "دیگری" است. این وضع در مدارس ما بیشتر از جاهای دیگر است.

– مشکل این سیستم این است که "دیگری" در آن اهمیت ندارد. ما معیار کنترل "خود" نداریم. آنچه معیار کنش ماست، فقط امیال و آرزوهای خودماست نه امیال و آرزوهای جمعی. وقتی "دیگری" مهم می‌شود، کنترل بر "خود" هم مهم می‌شود. ولی ما فقط "خود"ی تولید می‌کنیم که ضد "دیگری" است. این وضع در مدارس ما بیشتر از جاهای دیگر است.

– مشکل این سیستم این است که "دیگری" در آن اهمیت ندارد. ما معیار کنترل "خود" نداریم. آنچه معیار کنش ماست، فقط امیال و آرزوهای خودماست نه امیال و آرزوهای جمعی. وقتی "دیگری" مهم می‌شود، کنترل بر "خود" هم مهم می‌شود. ولی ما فقط "خود"ی تولید می‌کنیم که ضد "دیگری" است. این وضع در مدارس ما بیشتر از جاهای دیگر است.

– مشکل این سیستم این است که "دیگری" در آن اهمیت ندارد. ما معیار کنترل "خود" نداریم. آنچه معیار کنش ماست، فقط امیال و آرزوهای خودماست نه امیال و آرزوهای جمعی. وقتی "دیگری" مهم می‌شود، کنترل بر "خود" هم مهم می‌شود. ولی ما فقط "خود"ی تولید می‌کنیم که ضد "دیگری" است. این وضع در مدارس ما بیشتر از جاهای دیگر است.

– مشکل این سیستم این است که "دیگری" در آن اهمیت ندارد. ما معیار کنترل "خود" نداریم. آنچه معیار کنش ماست، فقط امیال و آرزوهای خودماست نه امیال و آرزوهای جمعی. وقتی "دیگری" مهم می‌شود، کنترل بر "خود" هم مهم می‌شود. ولی ما فقط "خود"ی تولید می‌کنیم که ضد "دیگری" است. این وضع در مدارس ما بیشتر از جاهای دیگر است.

– مشکل این سیستم این است که "دیگری" در آن اهمیت ندارد. ما معیار کنترل "خود" نداریم. آنچه معیار کنش ماست، فقط امیال و آرزوهای خودماست نه امیال و آرزوهای جمعی. وقتی "دیگری" مهم می‌شود، کنترل بر "خود" هم مهم می‌شود. ولی ما فقط "خود"ی تولید می‌کنیم که ضد "دیگری" است. این وضع در مدارس ما بیشتر از جاهای دیگر است.

– مشکل این سیستم این است که "دیگری" در آن اهمیت ندارد. ما معیار کنترل "خود" نداریم. آنچه معیار کنش ماست، فقط امیال و آرزوهای خودماست نه امیال و آرزوهای جمعی. وقتی "دیگری" مهم می‌شود، کنترل بر "خود" هم مهم می‌شود. ولی ما فقط "خود"ی تولید می‌کنیم که ضد "دیگری" است. این وضع در مدارس ما بیشتر از جاهای دیگر است.

– مشکل این سیستم این است که "دیگری" در آن اهمیت ندارد. ما معیار کنترل "خود" نداریم. آنچه معیار کنش ماست، فقط امیال و آرزوهای خودماست نه امیال و آرزوهای جمعی. وقتی "دیگری" مهم می‌شود، کنترل بر "خود" هم مهم می‌شود. ولی ما فقط "خود"ی تولید می‌کنیم که ضد "دیگری" است. این وضع در مدارس ما بیشتر از جاهای دیگر است.

– مشکل این سیستم این است که "دیگری" در آن اهمیت ندارد. ما معیار کنترل "خود" نداریم. آنچه معیار کنش ماست، فقط امیال و آرزوهای خودماست نه امیال و آرزوهای جمعی. وقتی "دیگری" مهم می‌شود، کنترل بر "خود" هم مهم می‌شود. ولی ما فقط "خود"ی تولید می‌کنیم که ضد "دیگری" است. این وضع در مدارس ما بیشتر از جاهای دیگر است.

– مشکل این سیستم این است که "دیگری" در آن اهمیت ندارد. ما معیار کنترل "خود" نداریم. آنچه معیار کنش ماست، فقط امیال و آرزوهای خودماست نه امیال و آرزوهای جمعی. وقتی "دیگری" مهم می‌شود، کنترل بر "خود" هم مهم می‌شود. ولی ما فقط "خود"ی تولید می‌کنیم که ضد "دیگری" است. این وضع در مدارس ما بیشتر از جاهای دیگر است.

– مشکل این سیستم این است که "دیگری" در آن اهمیت ندارد. ما معیار کنترل "خود" نداریم. آنچه معیار کنش ماست، فقط امیال و آرزوهای خودماست نه امیال و آرزوهای جمعی. وقتی "دیگری" مهم می‌شود، کنترل بر "خود" هم مهم می‌شود. ولی ما فقط "خود"ی تولید می‌کنیم که ضد "دیگری" است. این وضع در مدارس ما بیشتر از جاهای دیگر است.

– مشکل این سیستم این است که "دیگری" در آن اهمیت ندارد. ما معیار کنترل "خود" نداریم. آنچه معیار کنش ماست، فقط امیال و آرزوهای خودماست نه امیال و آرزوهای جمعی. وقتی "دیگری" مهم می‌شود، کنترل بر "خود" هم مهم می‌شود. ولی ما فقط "خود"ی تولید می‌کنیم که ضد "دیگری" است. این وضع در مدارس ما بیشتر از جاهای دیگر است.

– مشکل این سیستم این است که "دیگری" در آن اهمیت ندارد. ما معیار کنترل "خود" نداریم. آنچه معیار کنش ماست، فقط امیال و آرزوهای خودماست نه امیال و آرزوهای جمعی. وقتی "دیگری" مهم می‌شود، کنترل بر "خود" هم مهم می‌شود. ولی ما فقط "خود"ی تولید می‌کنیم که ضد "دیگری" است. این وضع در مدارس ما بیشتر از جاهای دیگر است.

– مشکل این سیستم این است که "دیگری" در آن اهمیت ندارد. ما معیار کنترل "خود" نداریم. آنچه معیار کنش ماست، فقط امیال و آرزوهای خودماست نه امیال و آرزوهای جمعی. وقتی "دیگری" مهم می‌شود، کنترل بر "خود" هم مهم می‌شود. ولی ما فقط "خود"ی تولید می‌کنیم که ضد "دیگری" است. این وضع در مدارس ما بیشتر از جاهای دیگر است.

– مشکل این سیستم این است که "دیگری" در آن اهمیت ندارد. ما معیار کنترل "خود" نداریم. آنچه معیار کنش ماست، فقط امیال و آرزوهای خودماست نه امیال و آرزوهای جمعی. وقتی "دیگری" مهم می‌شود، کنترل بر "خود" هم مهم می‌شود. ولی ما فقط "خود"ی تولید می‌کنیم که ضد "دیگری" است. این وضع در مدارس ما بیشتر از جاهای دیگر است.

– مشکل این سیستم این است که "دیگری" در آن اهمیت ندارد. ما معیار کنترل "خود" نداریم. آنچه معیار کنش ماست، فقط امیال و آرزوهای خودماست نه امیال و آرزوهای جمعی. وقتی "دیگری" مهم می‌شود، کنترل بر "خود" هم مهم می‌شود. ولی ما فقط "خود"ی تولید می‌کنیم که ضد "دیگری" است. این وضع در مدارس ما بیشتر از جاهای دیگر است.

– مشکل این سیستم این است که "دیگری" در آن اهمیت ندارد. ما معیار کنترل "خود" نداریم. آنچه معیار کنش ماست، فقط امیال و آرزوهای خودماست نه امیال و آرزوهای جمعی. وقتی "دیگری" مهم می‌شود، کنترل بر "خود" هم مهم می‌شود. ولی ما فقط "خود"ی تولید می‌کنیم که ضد "دیگری" است. این وضع در مدارس ما بیشتر از جاهای دیگر است.

– مشکل این سیستم این است که "دیگری" در آن اهمیت ندارد. ما معیار کنترل "خود" نداریم. آنچه معیار کنش ماست، فقط امیال و آرزوهای خودماست نه امیال و آرزوهای جمعی. وقتی "دیگری" مهم می‌شود، کنترل بر "خود" هم مهم می‌شود. ولی ما فقط "خود"ی تولید می‌کنیم که ضد "دیگری" است. این وضع در مدارس ما بیشتر از جاهای دیگر است.

– مشکل این سیستم این است که "دیگری" در آن اهمیت ندارد. ما معیار کنترل "خود" نداریم. آنچه معیار کنش ماست، فقط امیال و آرزوهای خودماست نه امیال و آرزوهای جمعی. وقتی "دیگری" مهم می‌شود، کنترل بر "خود" هم مهم می‌شود. ولی ما فقط "خود"ی تولید می‌کنیم که ضد "دیگری" است. این وضع در مدارس ما بیشتر از جاهای دیگر است.

– مشکل این سیستم این است که "دیگری" در آن اهمیت ندارد. ما معیار کنترل "خود" نداریم. آنچه معیار کنش ماست، فقط امیال و آرزوهای خودماست نه امیال و آرزوهای جمعی. وقتی "دیگری" مهم می‌شود، کنترل بر "خود" هم مهم می‌شود. ولی ما فقط "خود"ی تولید می‌کنیم که ضد "دیگری" است. این وضع در مدارس ما بیشتر از جاهای دیگر است.

اخبار

با اکثریت رای

سید کاظم خادمی

قائم‌مقام جامعه اسلامی فرهنگیان شد



با رای اکثریت اعضا سیدکاظم خادمی به عنوان قائم مقام جامعه اسلامی فرهنگیان شد.

دبیرکل قائم مقام و سخنگوی جامعه اسلامی فرهنگیان با اکثریت آرای شورای مرکزی انتخاب شدند.

به گزارش خبرنگارمساید کاظم خادمی از مجموع ۱۸ رای با کسب ۱۳رای به عنوان قائم مقام جامعه‌اسلامی فرهنگیان کشور انتخاب شد.

لازم به ذکر است جلسه صبح امروز در دفتر مرکزی حزب برگزار و علی کریمی فیروزجایی از مجموع ۱۸ رای با کسب۱۲ رای به عنوان دبیرکل جامعه اسلامی فرهنگیان انتخاب شد.

برپایه این خبر همچنین محمدعلی امیری به عنوان سخنگوی جامعه انتخاب شدند.

به گزارش خبرناما، علی کریمی فیروزجایی نماینده مردم بابل در ادوار مجلس شورای اسلامی بوده است.

مدیرکل انتقال خون استان تهران:

سرمای هوا اهدای خون در تهران را روزانه ۴۰۰ واحد کاهش داد

مدیرکل انتقال خون استان تهران گفت: سرمای هوا موجب شده که میزان استقبال برای اهدای خون کم شود؛ در حال حاضر روزانه در تهران بین ۶۰۰ تا ۷۰۰ واحد خون اهدا می‌شود در حالی که پیش از این روزانه بین حدود هزار تا هزار و ۲۰۰ واحد خون در این استان اهدا می‌شد.

مرتضی طباطبایی روز جمعه در گفت و گو با خبرنگار اجتماعی ایرنا افزود: در حال حاضر میزان خونی که توسط اهدانکنندگان به صورت داوطلبانه اهدا می‌شود، در حد نیاز مراکز درمانی و بیمارستانی تهران است و میزان ذخیره خون در استان تهران نیز هفت روز است و در این مورد هیچ نگرانی وجود ندارد.

وی خاطرنشان کرد: با این نیاز به خون و فرآورده های آن همیشگی است و بیماران نیازمند به خون همیشه نیازمند‌اند‌ هستند و به‌جهت‌ که‌اهدانکنندگان‌ نوع دوست همیشه به فکر اهدای خون باشند و همه گروه های خونی به خصوص گروه های منفی، خون، پلاکت و پلاسمای بیشتری در فصل سرما اهدا کنند.

حداقل و حداکثر سن قابل قبول برای اهدای خون ۱۸ و ۶۰ سال تمام است

مدیرکل انتقال خون استان تهران گفت: حداقل سن قابل قبول برای اهدای خون ۱۸ سال و حداکثر سن برای اولین اهدای خون ۶۰ سال است و برای دفعات بعدی اهدانکننده مستمراً به سابقه حداقل ۲بار اهدای خون در (سال) حداکثر ۶۵سال است. وی در خصوص ضرورت اهدای خون تصریح کرد: خون سالم، نجات‌دهنده زندگی است و همه روزه، در سراسر جهان بسیاری از افراد به خون و فرآورده های خونی نیاز دارند؛ به طوری که از هر سه نفر مردم دنیا، یک نفر در طول زندگی احتیاج به تزریق خون و فرآورده های خونی پیدا می کند.

طباطبایی اعلام کرد: بازرزتن مثال برای موقعیت هایی که در آن نیاز مبرم به خون باشد نه تزریلی نفتکش و سومین علت مربوط به قصور مسئولان راه برای احداث سوختگی‌ها و اعمال جراحی است.

وی گفت: همچنین زنان باردار در حین زایمان، نوزادان و به خصوص نوزادان نارس که به زردی دچار می شوند، نیازمند خون هستند و از طرفی بیماران مبتلا به سرطان که تحت شیمی درمانی یا اشعه درمانی قرار دارند، از مصرف کنندگان خون و فرآورده های خونی به شمار می روند.

مدیرکل انتقال خون اضافه کرد: بسیاری از بیماران، مانند بیماران تالاسمی و هموفیلی نیز ناگزیرند برای بهره مندی از یک فراد به خون و نسبت طبیعی برای تمام

عمر به شکل منظم خون یا فرآورده های خونی دریافت کنند.

در حال حاضر اهدای خون در ایران به صورت کاملاً داوطلبانه و بدون هیچ چشم داشتی و به منظور کمک به بیماران نیازمند به خون و فرآورده های آن انجام می شود. شاخص اهدای خون در ایران ۲۷ نفر به ازای هزار نفر جمعیت است که شاخص خوبی محسوب می شود.

علت تصادف خودرو همراهان وزیر کار مشخص شد

رییس پلیس راه گلستان، علت حادثه تصادف رانندگی خودرو دکتر نوربخش و تاج الدین مدیرعامل و معاون پارلمانی سازمان تأمین اجتماعی را سه عامل عدم رعایت حق تقدم راننده سواری، عدم توجه کافی به جلو راننده تریلی و قصور مسئولان راه برای احداث دوربرگردان ایمن اعلام کرد.

به گزارش گروه دریافتی ایسنا، سرهنگ علی عبدی گفت: بر اساس بررسی های بعمل آمده در خصوص علت تصادف روز گذشته که منجر به فوت مدیر عامل و معاون پارلمانی سازمان تأمین اجتماعی کشور شد، سه عامل مشترک در این حادثه نقش داشتند.

وی افزود: اولین علت، بی احتیاطی از جانب راننده سواری تویوتا لندکروز به علت عدم رعایت حق تقدم عبور هنگام دور زدن، دومین علت، عدم توجه کافی به جلو از جانب راننده تریلی نفتکش و سومین علت مربوط به قصور مسئولان راه برای احداث دوربرگردان ایمن یا تقاطع غیرمسطح بوده است.

دکتر نوربخش و تاج الدین که از همراهان وزیر کار در سفر به گلستان بودند، عصر روز گذشته حین خدمت در بردگی درودی غربی گرگان بر اثر تصادف با یک تانکر تریلی حمل سوخت جان خود را از دست دادند.